

تأثیر ترور سردار سلیمانی بر روابط اقلیم کردستان عراق و آمریکا

رشید رکابیان^۱

۱۴

دوره ۷، شماره ۲، پیاپی ۱۴
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۶/۱۰

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۹/۲۰

صص: ۳۲-۷

شاپا چاپی: ۲۵۳۸-۵۶۴X

شاپا الکترونیکی: ۲۷۱۷-۵۵۱



DOI: 10.22080/jpir.2024.27962.1402

چکیده

منطقه اقلیم کردستان عراق از مدت‌ها پیش به یک صحنه مهم برای عملیات ضد تروریستی ایالات متحده به زعم کاخ سفید، در خاورمیانه تبدیل شده و آمریکا با نیروهای پیشمرگه وفادار به دولت اقلیم کردستان روابط نزدیکی داشته است. از سال ۲۰۱۶ که ایالات متحده و دولت اقلیم کردستان یک تفاهم نامه درباره کمک‌های امنیتی امضا کردند، حمایت‌هایی که پیشمرگه از ایالات متحده دریافت کرده به میزان قابل توجهی افزایش یافته است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از نظریه نئو واقع‌گرایی با هدف بررسی سیاست خارجی آمریکا در قبال اقلیم کردستان عراق بعد از داعش انجام شده و اطلاعات لازم را از کتب، مقالات و منابع اینترنتی جمع‌آوری کرده است. لذا سوال این است که، با وجود شعار عملیات‌های ضد تروریستی توسط آمریکا و پایان داعش در عراق، با ترور سردار سلیمانی، اقلیم کردستان عراق چه جایگاهی در دستگاه دیپلماسی کاخ سفید پیدا کرده است؟ فرضیه پاسخ می‌دهد: با توجه به نظریه واقع‌گرایی تدافعی انجام شده بیان می‌دارد، بعد از ترور سردار سلیمانی، اقلیم کردستان عراق در راهبرد آمریکا و رژیم صهیونیستی اهمیت جدیدی پیدا کرده است؛ از یک طرف اقلیم کردستان به یک حیات خلوت برای جاسوسی، حمایت از معاندین جمهوری اسلامی و رصد غرب آسیا برای کاخ سفید و رژیم صهیونیستی تبدیل شده است. و از طرف دیگر این اهمیت در کمک‌های مالی و همکاری‌های اقتصادی، نظامی و امنیتی، سرمایه‌گذاری در مناطق نفت‌خیز، نزدیک شدن به مرزهای ایران، رقابت با روسیه به شکل قابل توجهی قابل نمایان می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: آمریکا، اقلیم کردستان عراق، امنیت، سردار سلیمانی، مطالعات فرسنگی

مقدمه

کاخ سفید و اقلیم کردستان عراق همواره در دوران درگیری با نیروهای تروریستی داعش همکاری های خود را توسعه داده ولی آنچه باعث نگرانی این منطقه از آمریکا شد حمایت نکردن مورد انتظار دولتمردان اقلیم بود. موقعیت ژئوپلیتیک اربیل در ادوار مختلف بعد از صدام مورد توجه کشورهای قدرتمند در عرصه نظام بین المللی بوده است. چرا که این منطقه دارای انرژی های فسیلی قابل توجهی در درون خود است و این چیزی است که هر کشوری چه صنعتی و چه غیر صنعتی تلاش دارد همکاری های خود را در عرصه سیاست خارجی با این مناطق افزایش دهد. و یا به عبارت دیگر با هم رقابت می کنند (Giglio, 2018: 4). لذا طبیعی به نظر می رسد که دول غربی به ویژه آمریکا، در صدد باشند که روابط خود را با این منطقه توسعه دهند. اما ترور سردار سلیمانی منطقه خاورمیانه را تحت تاثیر ویژه ای قرار داد. چرا که، ارتش آمریکا پس از شهادت سپهبد قاسم سلیمانی کمتر از یک روز، حدود ۳۵۰۰ سرباز اضافی را به خاورمیانه به ویژه در منطقه اقلیم کردستان عراق فرستاد. زیرا ترور این شخص بیش از هر چیز روحیه بسیج مردمی را در ایران به مانند زمان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران را تقویت کرده و آیت الله خامنه ای به مردم ایران قول "انتقام" داد. به همین منظور دولت آمریکا به منظور تامین امنیت منافع خود و متحدان، نیروهای نظامی خود را در کویت-عراق-عمان-عربستان تقویت کرد. نمونه دیگر اقدامات آمریکا بعد از ترور قاسم سلیمانی، استقرار یک تیپ از لشکر ۸۲ هوایی - ۷۰۰ فرزند جنگنده به غرب آسیا اعزام شد و رئیس جمهور آمریکا به این نیروها دستور داده که به عنوان یک پاسخ به تهدیدات ترور مذکور در سراسر منطقه خاورمیانه خدمت کنند (Breuninger, 2020: 2-5).

این تاکتیکی که بعد از ترور سردار سلیمانی، دستگاه سیاست خارجی آمریکا اتخاذ کرد نگاه راهبردی تری از همیشه، به منطقه اقلیم کردستان عراق داشت. زیرا مشارکت امنیتی ایالات متحده و دولت اقلیم کردستان، یک هدف ثابت تامین مالی آمریکا بوده است. از زمان آغاز جنگ علیه داعش در سال ۲۰۱۴ تا کنون به ویژه بعد از ترور سردار سلیمانی بیش از ۴۰۰ میلیون دلار کمک های امنیتی مستقیم از دولت اقلیم کردستان، وزارت امور پیشمرگه از جمله برای سامانه های تسلیحاتی، اطلاعاتی، شناسایی و پشتیبانی لجستیکی، آموزش و دستمزد فراهم آورده است. دولت ترامپ با توجه به موضوع

تعمیق روابط امنیتی با دولت اقلیم کردستان که در دولت باراک اوباما آغاز شد، کمک های امنیتی به دولت اقلیم به جای پیشمرگه را افزایش داده است. این تاکتیک مذکور بر اساس طبیعت سیاست خارجی آمریکا، پاسخ مستقیمی به ارزیابی‌های وزارت دفاع این کشور مبنی بر لزوم افزایش حمایت‌ها در جهت تحقق الزامات عملیاتی مبارزه با نیروهای مورد حمایت تهران در عراق که در صدد انتقام از ارتش این کشور برآمده‌اند می‌باشد.

البته در این مورد باید بیان داشت که، استقرار این نیروها به منظور کنترل تهدیدهایی که از طرف دولتمردان ایران علیه نیروهای آمریکایی وجود دارد مطلق نبود. بلکه تمام کشورهای عربی موجود در بطن جبهه مقاومت خواهان انتقام از نیروهای آمریکایی در منطقه بودند. این مسئله تهدید را فراتر از ایران می‌برد و باعث شد که در قسمت وسیعی از غرب آسیا نیروهای آمریکایی، تلاش کنند خود را مجهزتر و ایمن تر کند. به همین منظور وزارت دفاع آمریکا و سرویس‌های امنیتی آن‌ها با کشورهای متحد خود و همچنین منطقه اقلیم کردستان عراق، در منطقه تلاش کردند که تنش‌های مذکور را از طریق منابع امنیتی و نظامی خود (اعزام نیروی نظامی)، مدیریت کند (Breuninger, 2020: 4-8).

این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از نظریه نئو واقع‌گرایی با هدف بررسی سیاست خارجی آمریکا در قبال اقلیم کردستان عراق بعد از داعش انجام شده و اطلاعات لازم را از کتب، مقالات و منابع اینترنتی جمع‌آوری کرده است. لذا سوال این است که، با وجود شعار عملیات-های ضد تروریستی توسط آمریکا و پایان داعش در عراق، اقلیم کردستان عراق چه جایگاهی بعد از ترور سردار سلیمانی در دستگاه دیپلماسی کاخ سفید دارد و در چه بعدی نمایان شده است؟

چارچوب نظری

نواقح‌گرایی مهم‌ترین عنصر و مولفه نظام بین‌الملل را که تعیین‌کننده سیاست خارجی کشورهاست، ساختار آن تصور می‌کند. از نظر کنت والتز به عنوان نظریه‌پرداز اصلی نواقح‌گرایی، سیاست بین‌الملل تنها مجموع رویکردها و سیاست خارجی نیست، بلکه در حقیقت ساختار سیستم بین‌الملل است که روابط اعضای آن را در صحنه جهانی تشکیل می‌دهد. ساختار نیز به آرایش واحدها در نظام بین‌الملل برمی‌گردد. همچنین توزیع توانایی‌ها در نتیجه مکانیسم تعیین‌کننده ساختارهای سیستم انجام می‌پذیرد (محمدخانی، ۱۳۸۸: ۹۴). ساختار در اندیشه کنت والتز، به معنای آرایش

واحدها در نظام بین‌الملل است که بر اساس چگونگی توزیع قدرت بین آنها در سطح بین‌المللی تعیین و تعریف می‌شود. به سخن دیگر، ساختار نظام بین‌الملل عبارت است از، قطبیت آن، که با توجه به وجود مراکز و قطب‌های قدرت مشخص می‌گردد. بر این اساس، تغییرات ساختاری یا همان تغییر و تحولات در توزیع قدرت در سطح بین‌المللی، مهم‌ترین علت و عامل تعیین‌کننده رفتار خارجی کشورها است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۳۷).

رویکرد فوق، حاوی مقوله‌های تحقیقی به هم وابسته‌ای است که عبارتند از: ۱. سیستم و تصمیم (رهبری)، ۲. منافع و قدرت، ۳. برداشت و واقعیت، ۴. همکاری و منازعه (راهبرد رفتاری) و ۵. هنجار یا نفع. بر این اساس، نواقعی گرای و وجود یک سیستم بین‌المللی مرکب از عناصر در حال تعاملی را مسلم می‌انگارد که باید آن عناصر را با استناد به مفاهیم برگرفته‌شده از نظریه واقع‌گرایی کهن و نیز بر اساس متغیرهای ماخوذه از تحلیل‌های تطبیقی میان-فرهنگی به بررسی گذاشت (دوئرتی و فالترزگراف، ۱۳۸۸: ۱۹۶). نواقعی‌گرایان بر فایده نسبی تاکید می‌کنند. در این روند، دولت‌ها سعی می‌کنند تا آنچه را که تحصیل می‌کنند، در مقایسه با رقبا مورد ارزیابی قرار دهند. با وجود آنکه نواقعی‌گرایان به نوسانات در اهداف دولت اعتقاد دارند، اما منکر هوس‌بازی رهبران سیاسی و مبارزات و رقابت‌های بوروکراتیک که باعث تغییر در اهداف می‌شود، نیستند. نواقعی‌گرایان معتقدند که در نظام بین‌الملل یک فشار سیستماتیک وجود دارد که باعث می‌شود تمامی دولت‌ها با تمام ویژگی‌ها و توانایی‌هایی که دارند، تحت تاثیر این فشار قرار گیرند. در نتیجه، این فشار باعث می‌شود تا در یک جهت که همان مسیر منافع و امنیت ملی است، حرکت کنند. نواقعی‌گرایی در تحلیل سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل به دو نوع تهاجمی و تدافعی تقسیم می‌شود.

نواقعی‌گرایی تهاجمی آغاز مباحث گفتمانی خود را بر گرایش‌های تهاجمی، نیت تجدیدنظر طلبانه قدرت‌ها، به ویژه قدرت‌های بزرگ در سطح سیستم بین‌الملل قرار داده است و با تأکید بر شرایط آنارشیک در محیط بین‌الملل معتقد هستند که آنارشی، رقابت دائمی قدرت بین قدرت‌های بزرگ را شاهد خواهد بود. از دید آنان آنارشی دارای وضعیت هابزی است که امنیت در آن خیلی کمیاب است. دولت‌های ثروتمند به ایجاد ارتش‌های بزرگ روی می‌آورند، خود را درگیر مسائل خارج از مرزها می‌کنند و به دنبال افزایش نفوذ بین‌المللی خود هستند (Zakaria, 1998: 3). آنها معتقدند در تأثیرگذاری بر سیستم بین‌الملل، برودادهای قدرت‌های بزرگ تعیین‌کننده می‌باشد

(کامل، ۱۳۸۴: ۴). زکریا^۱ و مرشایمر^۲ از مهمترین نظریه پردازان تهاجمی هستند (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۱۳۰). مرشایمر دلیل اصلی قدرت‌طلبی دولت‌ها را در سه مورد: ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل، توانمندی‌های تهاجمی که همه دولت‌ها از آن برخوردارند و عدم اطمینان در مورد نیت و مقاصد دشمنان بیان نموده است (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۱۳۲).

مجموع این سه مفروض، شرایطی را به وجود می‌آورند که کشورها نه تنها دغدغه موازنه قوا و حفظ قدرت را دارند، بلکه انگیزه قوی و شدیدی را برای بیشینه‌سازی قدرت فراهم می‌سازد. در این رویکرد، بقاء هدف اصلی دولت‌هاست و آنان به دنبال حفظ تمامیت ارضی و استقلال در نظام سیاسی داخلی خود هستند. در واقع‌گرایی تهاجمی، قدرت مهم‌ترین ابزار رسیدن به هدف و کسب جایگاه هژمون در نظام بین‌الملل است، آنان عمدتاً بر قدرت نظامی و اقتصادی تأکید می‌کنند؛ چرا که هر چه قدرت، مزیت و برتری نظامی یک کشور بر دیگران بیشتر باشد، ضریب امنیتی آن بالاتر خواهد بود (Mearsheimer, 2001). این نوع از واقع‌گرایی بیشتر بر محوریت دولت‌های بزرگ تأکید دارد که در آن دولت‌های بزرگ سعی دارند با برهم‌زدن واقعیت‌های موجود در پی تغییر وضع موجود برآیند، تا به اهداف خود در منطقه دست یابند.

نواقح‌گرایی تدافعی در نقطه مقابل نواقح‌گرایی تهاجمی قرار دارد. از مهم‌ترین نظریه‌پردازان این نظریه می‌توان اسنایدر^۳ و والت^۴ را نام برد. نواقح‌گرایی تدافعی معتقد است که دولت‌ها در پی حفظ موجودیت خویش در نظام اقتدارگرای بین‌المللی هستند. آنها به رابطه میان آنارشی و استلزامات نظام بین‌الملل از یک سو و رفتار دولت‌ها از سوی دیگر، توجه دارند، اما این رابطه را پیچیده‌تر می‌بینند. از نظر آنها کشورها تنها در شرایطی که از جانب کشورهای دیگر احساس تهدید کنند، از خود واکنش نشان می‌دهند و این واکنش‌های آنان معمولاً در سطح موازنه و بازداشتن کشور تهدیدکننده است. آنان هیچ برنامه‌ای برای توسعه‌طلبی ندارند و معتقدند توسعه‌طلبی همیشه منجر به امنیت نمی‌شود. گرچه والت اهمیت زیادی برای نظریه موازنه قوا قائل بود و به نظر وی جنگ و نیروی نظامی برای حفظ وضع موجود سودمند است نه برای تغییر و برهم‌زدن آن (Waltz, 1979: 190-191). اما استفان والت برخلاف نظریه موازنه قدرت، نظریه موازنه تهدید را مطرح کرد که سعی در اصلاح و

1. Farid Zakaria
2. John Mearsheimer
3. Jack Snyder
4. Stephen Walt

افزایش کارآیی نظریه موازنه قدرت دارد. از نگاه والت، نظریه موازنه قدرت به خوبی نمی‌تواند رفتار تشکیل اتحادها را بر اساس سابقه تاریخی‌اش توصیف کند، همچنین موازنه قدرت نمی‌تواند توضیح دهد که چرا موازنه‌ها غالباً ناتوان از شکل‌یابی هستند (Walt, 1988: 275-316).

والت همچنین معتقد است که دولت‌ها تنها در برابر قدرت، دست به موازنه نمی‌زنند، بلکه در برابر تهدید هم دست به توازن می‌زنند. با توجه به کاستی‌های نظریه موازنه قدرت، والت مدعی است که نظریه موازنه تهدید می‌تواند تبیین بهتری ارائه دهد. والت سطح تهدید را با توجه به چهار شاخص توصیف نموده است: ۱. توانایی‌ها (جمعیت، قدرت اقتصادی، وسعت کشور و سایر عوامل ژئوپلیتیک قدرت)، ۲. نزدیکی جغرافیایی، ۳. قابلیت تهاجمی؛ بدین معنا که هر کشوری قدرت بیشتری داشته باشد، دغدغه تامین امنیت آن نیز بالا می‌رود و ۴. نیت تهاجمی؛ بدین معنی که دولت‌هایی که نیت تهاجمی دارند متضمن تهدید بیشتری هستند (Walt, 1987: 147-151). از این توصیف می‌توان چنان برداشت کرد که علاوه بر قدرت، سایر عوامل نیز مهم هستند. نواقح گرایان تدافعی با توسل به مفهوم امنیت، مدعی‌اند که اقدامات تدافعی اغلب به خطا همچون رفتاری تجاوزطلبانه تعبیر می‌شود و دولت‌هایی که از توانایی جدید و بالقوه دیگران احساس تهدید می‌کنند، با اتخاذ تدابیر نظامی از خود واکنش نشان می‌دهند.

اما نظریه موازنه قدرت که والت در صدد اصلاح و افزایش کارآیی آن است، با چالش‌هایی مواجه می‌باشد. والت تهدید و قدرت را دو چیز متفاوت از هم می‌داند و تعریف آنها را نیز متمایز از هم می‌پندارد. وی همچنین اعتقاد دارد که تهدیدها باعث ایجاد نگرانی امنیتی کشورها در عرصه بین‌الملل می‌شوند نه قدرت. همچنین در توضیح راهبرد کشورهای که احساس تهدید می‌کنند، بیان می‌دارد که آنها یا با هم متحد می‌شوند، یا اینکه به دلیل نداشتن قدرت دفاع از کشور خود، راهبرد دنباله‌روی^۱ را انتخاب می‌کنند. طبق نظر والت، کشورها به دنبال ایجاد ائتلاف و اتحاد علیه هر کشوری نیستند، بلکه کشوری که قدرت آن باعث به خطر انداختن امنیت سایر کشورها شود، باعث می‌شود که دیگران نیز برای مقابله با آن، به طرف ایجاد ائتلاف سوق پیدا کنند (Walt, 1986: 110-118).

۱- پیشینه تحقیق

1. Sequence Strategy

در مورد سردار سلیمانی دو نوع مقاله با دو رویکرد نگارش یافته است رویکرد اول در مورد رفتار سلیمانی می باشد. و رویکرد دوم در مورد سیاست های سلیمانی در محور مقاومت میباشد. در مورد کردستان عراق و امریکا هم نویسندگان دست به قلم شدند اما مقالاتی که نزدیکی ساختاری به این پژوهش دارد اشاره می شود.

۱- منمی دانا طیب (۲۰۲۳). "کردهای عراق ۲۰ سال پس از تهاجم آمریکا وعده های شکسته شده را به یاد می آورند". نویسنده در این مقاله به همکاری های تاکتیکی آمریکا با اقلیم کردستان عراق اشاره داشته است و بی تعهدی کاخ سفید در قبال اقلیم کردستان عراق مورد بررسی قرار داده است. به تاریخ قبل از حمله داعش کمتر تاکید و توجه داشته که این مسئله وجه تمایز دو پژوهش به شمار می رود.

۲- حافظی پریسا و ازهاری تیمور (۲۰۲۴). " سپاه پاسداران به "مرکز جاسوسی" اسرائیل در عراق حمله کرده و قول انتقام بیشتر می دهد". در این مقاله به واکنش جمهوری اسلامی ایران به ترور سردار سلیمانی اشاره شده است که سپاه پاسداران به عنوان تاثیرگذارترین نیروی نظامی تهران و محور مقاومت، در تلاش است که در مقاطع متعدد و عناوین گوناگون انتقام سردار سلیمانی در منطقه از نیروهای اسرائیلی و آمریکایی بگیرد. به همین منظور مقرهای جاسوسی آنها را در اقلیم کردستان عراق مورد حملات موشکی خود قرار داده است.

۳- راجرز وینتروپ (۲۰۲۴). "خانه پوشالی کردستان عراق در حال فروپاشی است". نویسنده در این مقاله به اشتباهات راهبردی اقلیم کردستان عراق در خاورمیانه اشاره کرده است. در این مقاله چند اشتباه مورد بررسی قرار گرفته است که اولین آن اعتماد و همکاری با آمریکا، عدم توجه به منافع کشورهای همسایه، عدم توجه به دولت مرکزی، کوتاهی در اوایل جنگ با داعش است. که اقلیم کردستان عراق را به سمت فروپاشی و منحل شدن سوق داده است.

۴- بحرانی وسام (۲۰۲۴). "برای امنیت منطقه باید حضور رژیم صهیونیستی در اربیل و اشغال عراق توسط آمریکا پایان یابد". در این مقاله نویسنده به این نتیجه دست یافته است که بعد از ترور سرار سلیمانی و میزان حساسیت جمهوری اسلامی ایران به این موضوع، به منظور کاهش تنش ها در این منطقه باید میزان نفوذ و حتی موجودیت اسرائیل منحل شود و یا کاهش یابد.

۵- نامدار فرهنگ فریدون (۲۰۲۳). "کردستان عراق و شکست سرمایه‌گذاری در روابط کرد و آمریکا- اسرائیل". نویسنده در این مقاله به بررسی سرمایه‌گذاری‌هایی که آمریکا و رژیم صهیونیستی در اقلیم کردستان عراق انجام داده‌اند پرداخته است و به دلیل امنیتی شدن منطقه بعد از ترور سردار سلیمانی، با شکست مواجه شده است. اما آنچه که باعث وجه اختلاف بین این مقالات با پژوهش‌هاست، با شکست مواجه شده است. اما آنچه که باعث وجه اختلاف بین این مقالات با پژوهش‌هاست، با شکست مواجه شده است. اما آنچه که باعث وجه اختلاف بین این مقالات با پژوهش‌هاست، با شکست مواجه شده است. اما آنچه که باعث وجه اختلاف بین این مقالات با پژوهش‌هاست، با شکست مواجه شده است.

۲- پیشینه روابط اقلیم کردستان با آمریکا

راهبرد سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه برای این اقلیم کردستان عراق در ادوار مختلف از درجه اهمیت قابل توجهی برخوردار بوده است. دولتمردان کاخ سفید بر این مسئله تاکید داشتند که اگر بعد از صدام و شکست این دیکتاتور در این کشور در نتیجه جنگ با آمریکا، دموکراسی بر این کشور حکمرانی کند و یا به عبارت دیگر یک مدل حکومت دموکرات در بغداد مستقر شود، اختلافات بین رهبران سیاسی این کشور در بطن احزاب مختلف از جمله دولتمردان اقلیم کردستان عراق با دولت مرکزی کاهش پیدا می‌کند و همچنین در نتیجه روی کار آمدن یک حکومت دموکرات در بغداد، افراطی‌گری کاهش پیدا کرده و امنیت در این کشور حاصل خواهد شد. این مسئله باعث شد که جمهوری خواهان آمریکا در دوره جرج بوش به ویژه در دوره دوم ریاست جمهوری آن در صدد توجه ویژه‌ای به متحدان کرد خود در این کشور باشند. و این توجه در قالب یک مدل نظام فدرالیسم مقتدر در عراق نمایان شد. البته باید این موضوع را نیز مورد توجه قرار دهیم که توجه ویژه مذکور به دوران ریاست جمهوری بوش مختص بود و با روی کار آمدن باراک اوباما، دولتمردان این کشور در صدد استفاده از راهبرد قدرت نرم و دیپلماسی منطقه‌ای برآمدند. ولی آنچه که وجه مشترک بین دولت جمهوری خواه و دموکرات در آمریکا در منطقه اقلیم کردستان عراق مشترک است، جلوگیری از نفوذ روز افزون تهران در داخل کشور عراق و به ویژه اربیل می‌باشد (قربانی شیخ نشین و قدیمی، ۱۳۹۰: ۶۵-۶۹).

تغییر رژیم عراق در سال ۲۰۰۳ و در نتیجه جنگ این کشور با آمریکا روند همکاری و مراودات اقلیم کردستان عراق و آمریکا را وارد فاز جدیدی کرده است. قبل از شروع جنگ با عراق هر گونه آرمان استقلال طلبی کردستان این کشور توسط دولتمردان آمریکایی رد شده ولی بعد از سال ۲۰۰۳

دولتمردان کاخ سفید در صدد برآمدند که با این منطقه وارد یک رابطه جدید در ابعاد گوناگون شود. در این سال‌ها بیشتر نظریه پردازان به این موضوع اعتقاد داشتند که سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه بر تجزیه کشورهای اسلامی تاکید داشته و لذا موجب خطرات جدی برای این منطقه شده است. تا اینکه جنگ با داعش در عراق شروع شد و اربیل یک سکو و یا به عبارت دیگر مبنای ثبات و امنیت در این کشور به حساب آورده شد. به همین خاطر جایگاه این منطقه خودمختار در عرصه بین‌المللی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شد (Abdullah Shukri, 2017: 3-7i).

یک سال پس از پیروزی نظامی بر دولت اسلامی (داعش) و شکست تلخ کردها در کرکوک امروزه اقلیم کردستان عراق در دورانی به سر می‌برد که امنیت مناطق خود را به وسیله پیشمرگه‌های خود تامین می‌کرد. دو حزب بزرگ این منطقه برای تشکیل یک دولت جدید آماده بودند و همچنین دولت مرکزی تازه تاسیس در بغداد فرصت‌های همکاری به منظور حفظ تمامیت ارزی این کشور و رفع هر گونه تنش در عراق، را فراهم کرد. پس از همه‌پرسی استقلال کردستان و از دست دادن کرکوک، بحرانی در روابط با ایالات متحده و دولتمردان منطقه کردنشین عراق به وجود آمد و سوالات ماندگار را برای هر دو طرف به وجود آورد. لذا امروزه با فراموش شدن تنش‌های گذشته و آشننگتن و اربیل، همکاری‌های دو طرف را با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک اربیل و منافع آشننگتن در خاورمیانه، به منظور رسیدن به یک منطقه امن و دارای شرایط اقتصادی مطمئن و مهم توسعه دهند. کاخ سفید در صدد می‌باشد که ارتباط با این منطقه خودمختار را قوی‌تر و یا به عبارت دیگر دامنه نفوذ خود را افزایش دهد (Benaim, 2018: 1).

موقعیت ژئوپلیتیک اربیل در ادوار مختلف بعد از صدام مورد توجه کشورهای قدرتمند در عرصه نظام بین‌المللی بوده است. چرا که این منطقه دارای انرژی‌های فسیلی قابل توجهی در درون خود است و این چیزی است که هر کشوری چه صنعتی و چه غیر صنعتی تلاش دارد همکاری‌های خود را در عرصه سیاست خارجی با این مناطق افزایش دهد. و یا به عبارت دیگر با هم رقابت می‌کنند (Giglio, 2018: 4).

بعد از شکست داعش عمده تمرکز اقلیم کردستان عراق توسعه روابط سیاسی و اقتصادی خود با کشورهای غربی به منظور تقویت جایگاه خود در عراق و خاورمیانه بود. نمونه آن را می‌توانیم در انتظارات رئیس پیشین اقلیم کردستان عراق یعنی مسعود بارزانی از دول غربی به منظور حمایت از

استقلال این منطقه مشاهده کنیم. اما با بحران‌ها و اتفاقاتی که بعد از به پایان رسیدن بحران داعش در منطقه ایجاد شد روابط اقلیم کردستان عراق و آمریکا به محدودیت و مشکلات زیادی مواجه شد چرا که منطقه با وجو امنیتی که برای آن به وجود آمده بود کشورهای غربی به مانند ادوار گذشته سرمایه گذاری اقتصادی و سیاسی در غرب آسیا نمی‌کردند. مهم ترین این مسائل ترور سردار سلیمانی و راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر اخراج آمریکا از خاورمیانه است. به همین منظور در ادامه کار به مهم ترین تأثیراتی که ترور سردار سلیمانی بر روابط اقلیم کردستان عراق و آمریکا گذاشت اشاره خواهیم کرد.

۳- روش پژوهش

یافته‌های پژوهش در این مقاله به شیوه ای توصیفی - تحلیلی و از منابع کتابخانه‌ای، اینترنتی و مقالات مرتبط مورد سنجش قرار گرفته است. این روش به توصیف و تفسیر ابعاد و روابط موجود میان متغیرهای مستقل و وابسته می‌پردازد که استدلالی بر فرضیه‌های تحقیق یا پاسخی به پرسش‌های پژوهش می‌باشد.

۴- یافته های پژوهش

۴-۱- راهبرد رفتار امنیتی آمریکا در قبال اقلیم کردستان عراق

سردار سلیمانی چهره حمایت‌های نظامی ایران در خارج از کشور از جمله در منطقه غرب آسیا و عراق-سوریه بود. این مسئله یک تحرکاتی را ایجاد کرد تا کشورهای غربی در غرب آسیا نتوانند سلطه خود را بر کشورهای این منطقه به منظور رسیدن به منافع ملی خود به ویژه در اقلیم کردستان عراق و مناطق نفت خیز آن تحکیم کنند. و باعث شد که دولت آمریکا آن را "فعالیت بدخیم" این کشور در قبال اقلیم کردستان عراق توصیف کنند. چرا که سپهبد سلیمانی در غرب آسیا علیه مواضع کشورهای غربی و گروه‌های دست نشانده آن‌ها فعالیت‌های گسترده‌ای از جمله آموزش و استقرار بسیج مردمی و پشتیبانی از دولت قانونی بشار اسد در سوریه، حزب الله در لبنان، حوثی‌ها در یمن و شبه نظامیان شیعه در عراق عملیات وی در اوج جنگ عراق باعث عقب نشینی نیروهای آمریکایی در این کشور شدند و باعث ایجاد یک جو امنیتی برای سربازان آمریکایی و پایگاه‌های نظامی آن‌ها

شد (Turak, 2020: 1-3). به همین منظور باعث شد که آمریکا در طول این دو دهه فعالیت سردار سلیمانی بعد از جنگ ایران و عراق، همیشه در صدد باشد که آن را مورد حمله‌های تروریستی خود در منطقه غرب آسیا قرار دهد. تا اینکه در بغداد هدف خود را در زمان ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ به شکل عملی و واضح نشان داد. بعد از ترور قاسم سلیمانی، کاخ سفید در صدد برآمد که با کشورهای این منطقه، از جمله اقلیم کردستان عراق که همکاری مطمئن و رضایتمندی با بغداد و تهران نداشت، رابطه دوستانه و به نسبت قبل گسترده‌تری را در دستور دستگاه دیپلماسی خود قرار دهد (Breuninger, 2020: 2-5). چرا که بعد از سخنرانی مقام معظم رهبری به مناسبت ترور سپهبد سلیمانی مبنی بر انتقام سخت، بازار بورس این کشور با سقوط چشم‌گیری مواجه شد، قیمت نفت با امنیتی شدن فضای عراق و سوریه، همچنین خلیج فارس بالا رفت، و شهروندان آمریکایی در کشورهای غرب آسیا امنیت خود را در خطر دیدند، به همین سبب دولت‌مردان آمریکا از هر گونه اقدام به منظور جلوگیری از تنش با ایران در خاورمیانه جلوگیری کردند. و نیروهای نظامی و امنیتی خود را در اقلیم کردستان عراق محدود نمودند (Turak, 2020: 3-8).

ارتش آمریکا پس از ترور سپهبد قاسم سلیمانی کمتر از یک روز، حدود ۳۵۰۰ سرباز اضافی را به خاورمیانه فرستاد. چرا که ترور این شخص بیش از هر چیز روحیه بسیج مردمی را در ایران به مانند زمان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران را تقویت کرده و مقام معظم رهبری به مردم ایران قول "انتقام" داد. به همین منظور دولت آمریکا به منظور تامین امنیت منافع خود و متحدان، نیروهای نظامی خود را در کویت-عراق-عمان-عربستان تقویت کرد. نمونه دیگر اقدامات آمریکا بعد از ترور قاسم سلیمانی، استقرار یک تیپ از لشکر ۸۲ هوایی و ۷۰۰ فروند جنگنده به غرب آسیا اعزام شد و رئیس-جمهور آمریکا به این نیروها دستور داده که به عنوان یک پاسخ به تهدیدات ترور مذکور در سراسر منطقه خاورمیانه خدمت کنند. به همین منظور بود که رابطه اقلیم کردستان عراق و آمریکا در بُعد امنیتی وارد فاز جدید شود و باعث محتاط بودن طرفین بیش از هر زمان دیگر شود (Breuninger, 2020: 2-5). زیرا بعد از ترور سردار سلیمانی، جمهوری اسلامی ایران، تلاش دارد که میزان همکاری و قدرت ائتلاف خود را با کشورهای منطقه افزایش دهد تا زمینه خروج نیروهای نظامی غربی و آمریکا را از منطقه فراهم کند. این مسئله به شکل جدی در دیدار کاظمی نخست‌وزیر وقت عراق و مقام معظم رهبری در کنار حق انتقام ترور سردار سلیمانی به شکل جدی مورد تاکید قرار گرفت.

و دولت عراق و جمهوری اسلامی ایران توافق کردند که میزان نیروهای آمریکایی در تمام مناطق عراق باید به حداقل ممکن برسد (Tabataba&or rabinowitz, 2020: 1-5).

به همین منظور دولت آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن به این نتیجه دست یافته‌اند که باید در مقابل این راهبرد سیاست خارجی تهران، اقدامات لازمی را انجام دهند که نمونه بارز آن افزایش و توسعه فعالیت‌های اطلاعاتی و امنیتی خود در اقلیم کردستان عراق بعد از ترور سردار سلیمانی می‌باشد. به همین منظور بود که جمهوری اسلامی ایران نیز در ۱۶ ژانویه ۲۰۲۳ مقر و دفتر جاسوسی سرویس‌های اطلاعاتی غرب و رژیم اشغال‌گر قدس در اقلیم کردستان عراق را مورد هدف قرار داد. سپاه پاسداران اعلام کرد: در واکنش به جنایات اخیر رژیم صهیونیستی که باعث کشته شدن فرماندهان سپاه و محور مقاومت شد، یکی از مقرهای اصلی جاسوسی موساد در اقلیم کردستان عراق با موشک‌های بالستیک منهدم شد (Azhari&Hafezi, 2024: 3-8). چرا که بعد از ترور سردار سلیمانی دولت مرکزی عراق، که توسط مقامات دولتی و سیاسی خود این ترور را نقض حقوق سیاسی و دولتی خود معرفی نمود، قوانین سختگیرانه‌ای را علیه هر گونه عادی‌سازی یا روابط با رژیم صهیونیستی که شامل اقلیم کردستان شمالی می‌شود، تصویب کرد. به همین منظور دولت آمریکا، اقلیم کردستان عراق را یک متحد قدیمی به منظور انجام فعالیت‌های امنیتی و اطلاعاتی خود انتخاب نمود. با این وجود، اطلاعات ایالات متحده که در منطقه شمال عراق فعالیت می‌کند، در سال‌های اخیر سایت‌های موساد را تحت عناوین مختلف مانند انجمن‌های مدنی یا مراکز تجاری و همچنین موسساتی برای فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی یا اقتصادی راه‌اندازی کرده یا از آنها حمایت مالی کرده است. (Bahrani, 2024: 4-10).

۲-۴- راهبرد سیاسی آمریکا در قبال اقلیم کردستان عراق

دولتمردان کاخ سفید بعد از ترور سردار سلیمانی تلاش دارند که همکاری سیاسی و دیپلماتیک خود را به نحوی در خاورمیانه با متحدان «کرد» خود در اربیل تقویت کند که نفوذ سیاسی جمهوری اسلامی ایران با وجود نیروهای نظامی محور مقاومت در این کشور، متعادل نمایند. به همین منظور باید به این مسئله اشاره کرد که مهم‌ترین اقدامات سیاسی آمریکا در اقلیم کردستان عراق در بعد سیاسی به این شکل می‌باشند:

۱-۲-۴- ترور سردار سلیمانی و موازنه منطقه‌ای

هم مقامات اربیل و هم دولتمردان آمریکایی این موضوع را به خوبی درک کرده‌اند که، بدون حمایت ایالات متحده، حکومت اقلیم کردستان تحت فشارهای محلی و منطقه‌ای ضعیف خواهد شد که نفوذ سیاسی آمریکا و رژیم صهیونیستی در این منطقه به منظور تاثیرگذاری بر ایران در راس محور مقاومت با کاهش چشم‌گیری مواجه خواهد شد. به گفته «نوح فریدمن»، در این مورد بیان داشت که، " روابط آمریکا و اربیل بعد از ترور سردار سلیمانی به سمتی سوق پیدا کرده است که طرفین همواره در صدد متعادل کردن قدرت منطقه‌ای می‌باشند و هدف آمریکا از این تعادل منطقه‌ای ایجاد کشوری است که بتواند به ایالات متحده و متحدانش در مدیریت و متعادل کردن بحران‌های احتمالی منطقه کمک کند" (Aziz, 2023: 4). عمدتاً به این دلیل که ایالات متحده می‌خواهد حکومت اقلیم کردستان بر همسایگان و منطقه تأثیر بگذارد. شراکت هر دو، جنبه‌ی نرم افزاری و سخت افزاری دارد. در مورد حفظ تعادل سیاسی در منطقه «پمپئو» وزیر امور خارجه وقت آمریکا در زمان ترور سردار سلیمانی بیان داشت که، " آمریکا با حفظ تعادل قدرت منطقه‌ای و روابط سیاسی با اربیل در تلاش است با کردهای عراق مشارکت کند تا تلفات انسانی و هزینه‌های مالی را با حفظ روابط و حضور در منطقه کاهش دهد که در حال حاضر از طریق ائتلاف جهانی برای شکست داعش و همگرایی محور مقاومت برای انتقام سردار سلیمانی به عنوان تاثیرگذارترین نیروی نظامی این محور انجام می‌شود. ایجاد مشارکت یکی از اهداف اصلی سیاست منطقه‌ای ایالات متحده بعد از ترور سلیمانی با اربیل عراق می‌باشد (Jasm Bakr, 2023: 9).

۲-۲-۴- تقویت ژئوپلیتیک سیاسی

ماهیت روابط ایالات متحده و کردستان بر ماهیت اصلاحات قانون اساسی و نظام سیاسی عراق، از جمله فدرالیسم، دولت پارلمانی، و مهمتر از همه، نقش دین تأثیر می‌گذارد. این امر قدرت‌های منطقه‌ای را ترغیب می‌کند تا حضور خود را گسترش دهند، منطقه را بیشتر تحت تاثیر محور مقاومت قرار بدهند و بعد از این موضوع نفوذ سیاسی آمریکا در منطقه را با چالش مواجه کند. اقلیم کردستان عراق از نظر ژئوپلیتیکی در مسیری قرار دارد که با ایجاد هر گونه بحران در خاورمیانه، تأثیرات سویی را دریافت می‌کند. اما بعد از ترور سردار سلیمانی هم مقامات اربیل و هم دول غربی گارد خود را بسته تا از تکرار این موضوع جلوگیری کنند. به این نحو که با تقویت منطقه اربیل عراق و تاثیرگذاری

آن بر غرب آسیا در ابعاد اقتصادی، سیاسی، و نظامی، ژئوپلیتیک این منطقه را به گونه‌ای تقویت کند که به یک بازیگر اصلی در ابعاد یاد شده تبدیل شود (Najmaldin Karim, 2023: 7-15).

چرا که بعد از حمله داعش و ضعف اربیل در مقابله با آن، جایگاه منطقه‌ای و ژئوپلیتیکی این منطقه خودمختار به گونه‌ای در رسانه‌های بین‌المللی خدشه دار شد که هرگونه سرمایه‌گذاری اقتصادی و ایجاد محیط امن برای روابط سیاسی با تهدیدهای قابل توجهی رو به رو است. به همین منظور مقامات اربیل بعد از ترور سردار سلیمانی به این نتیجه دست یافتند که باید برای تبریته از این موضوع یعنی تأثیرگذاری اربیل عراق از نظر ژئوپلیتیکی بر منطقه و امنیت خارومیانه روابط سیاسی خود را با غرب توسعه داده و همکاری همه جانبه خود را گسترش دادند.

۳-۲-۴- راهبرد مخفی آمریکا و استقلال‌طلبی اقلیم کردستان عراق

دولت آمریکا به دلیل حمایت از تروریست‌های تکفیری داعش و سایر افراطیون مذهبی در ادوار مختلف و به ویژه جنگ عراق و سوریه، در زمان استقلال‌طلبی و رفراندوم اربیل، از این منطقه به صورت آشکار حمایت نکرد اما با ایجاد ائتلاف بین رژیم صهیونیستی و اقلیم کردستان عراق در صدد برآمد که کردهای عراق را از این کشور جدا و به آن‌ها استقلال دهد. چرا که بعد از ترور سردار سلیمانی ارتش عراق و بسیج مردمی این کشور به صورت سیستماتیک خواهان خروج نیروهای نظامی آمریکا از عراق به ویژه در اربیل بودند. بنابراین حمایت از استقلال این منطقه باعث می‌شود که این رویکرد تغییر کند و آمریکا به صورت مستقل با اربیل ارتباط همه جانبه داشته باشد و دیگر تحت نظر دولت مرکزی بغداد نباشد (karimi & gambrel, 2024: 3-8).

مقام‌های رژیم صهیونیستی و آمریکایی با حمایت‌های پشت پرده و رسانه‌ای خود حتی از این فراتر، معتقدند تشکیل کشور مستقل کردی به مثابه "ذخیره‌ای استراتژیک و طراز اول برای اسرائیل و واشنگتن" محسوب می‌شود. «عوفرا بنجیو» در این باره می‌گوید: «شکل‌گیری کشور مستقل کردستان باعث تضعیف کشورهای متعددی که با اسرائیل و آمریکا دشمنی تاریخی دارند مثل عراق، سوریه و ایران و سپاه قدس به فرمانده ترور شده آن‌ها یعنی ژنرال قاسم سلیمانی می‌شود.» به اعتقاد آنها، کردستانی که در دل کشورهای مقاومت تشکیل شود می‌تواند همانند خنجر در قلب ملت‌های منطقه حامی "محور ممانعت" که در صدد انتقام بالاترین مقام نظامی خود در منطقه هستند باشد. ایجاد کشور مستقل کردی که مورد حمایت اسرائیل و غرب می‌تواند معادلات منطقه را تغییر داده و

در درگیری نفوذ تاریخی موجود میان "ترکیه سنی" با "ایران شیعی" تاثیر مستقیم بگذارد و این مساله می‌تواند به سود اسرائیل باشد». چرا که ترور سردار سلیمانی در خاک عراق که به دعوت رسمی این کشور وارد فرودگاه بغداد شده بود، باعث شد مشروعیت نظامی و سیاسی-امنیتی رژیم صهیونیستی و آمریکا در عراق به شکل قابل توجهی خدشه دار شده و مردم عراق خواستار خروج آن‌ها از کشورشان هستند. به همین منظور حمایت‌های آمریکا به وسیله رژیم صهیونیستی از استقلال کردستان عراق باعث می‌شود که، اقتدار نیروهای نظامی خود را متسحکم تر کرده و محور مقاومت را به زعم خود مدیریت کند (Selvik & Ranji, 2023: 9-12).

چرا که سردار سلیمانی به عنوان یک نماد مبارز با تروریست و استکبار جهانی در خاورمیانه محبوبیت خاصی در منطقه برخوردار بوده و ترور آن بیشتر کشورهای مسلمان و شیعه را خشمگین کرده است. بنابراین هم آمریکا به خوبی این خشم را رصد کرده و به این نتیجه رسیده است که ایران و کشورهای عربی تاثیرات سلبی بر جاه‌طلبی‌های آنها برای رسیدن به خواسته‌هایشان یعنی انتقال سردار سلیمانی و خروج نیروهای نظامی آمریکا از خاورمیانه می‌گذارد. آنها خوب می‌دانند که ایران به خصوص تاثیری ویژه بر کردستان عراق، قانون اساسی آن، حکومت اقلیم، پارلمان، ارتش، سازمان امنیت و نمایندگی‌های آن در خارج دارد. به همین منظور است که توسط دولت‌های همپیمان خود در خاورمیانه تلاش دارد که استقلال اقلیم کردستان عراق تکمیل کنند و این منطقه را از محدوده محور مقاومت دور کنند.

۴-۲-۴- ترور سردار سلیمانی و توسعه نفوذ

یکی از مهم‌ترین دلایل برقراری روابط آمریکا با کردها این است که در حضوری غیرمستقیم به مقابله با توسعه نقش شیعیان در این کشور و حفظ توان رقابت با نفوذ سیاسی و دفاعی بالای ایران در عراق پردازد. یک عراق قدرتمند با حضور قوی دولتی شیعی در صدر آن، با منافع آمریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن سازگار نیست؛ بنابراین، در آینده هر زمان که اداره سیاسی بغداد در نتیجه انتخابات آزاد به اکثریت شیعی عراق برسد، اقلیم کردستان برای آمریکا اهمیتی ویژه‌تر پیدا می‌کند (Alaaldin, 2023: 13-16).

امروزه حزب حاکم در بغداد با همکاری‌های همه‌جانبه‌ای که با جمهوری اسلامی ایران بعد از سقط صدام و مبارزه با داعش ایجاد کرده‌اند تلاش دارند که پرونده ترور مهدی مهندس و سردار

سلیمانی را هر چه سریع تر به منظور کاهش تنش های جامعه عراق، که اکثریت آن ها خواستار محاکمه عاملین هستند در صدر قدرت این کشور قرار گرفته اند به همین منظور دولت آمریکا و متحدان منطقه ای آن از جمله تالابو و ریاض تلاش دارند که خطرات ناشی از این رویکرد را مدیریت کرده و با دولت مرکزی و اقلیم کردستان عراق روابط حسنه ای برقرار کنند.

در بعد دیگر توسعه روابط سیاسی آمریکا در کردستان عراق و پیشرفت این منطقه می تواند به الگویی مطلوب و آرمانی برای دیگر اقلیت های کرد منطقه در ایران، سوریه و ترکیه تبدیل شود (البته این رویکرد قبل از ترور سردار سلیمانی نیز وجود داشته است). آمریکا از طریق کنترل دولت کردی برای اعمال فشار بر ایران، ترکیه و سوریه قدرت چانه زنی خود را با توجه به میزان خشونت محور مقاومت که در تلاش هستند انتقام ترور های یاد شده را از غرب و متحدان آن در منطقه بگیرند را بالا خواهند برد؛ زیرا از این طریق خواهند توانست مسئله جداخواهی قومی را به یکی از اصلی ترین نگرانی های امنیتی این سه کشور تبدیل نمایند (Rodgers, 2023: 21-26).

۳-۴- راهبرد اقتصادی آمریکا در قبال اقلیم کردستان عراق

با ترور سردار سلیمانی و تحریم های بعد از همه پرسی اقلیم کردستان عراق توسط ایران و ترکیه، مقامات اربیل را متوجه این مسئله کرد که باید همکاری اقتصادی خود را با کشورهای غربی توسعه دهند تا از این مسیر دیگر تحت فشار منطقه ای قرار نگیرند. آمریکا نیز از این خلاء قدرت اقتصادی و تجاری بعد از ترور سردار سلیمانی و امنیتی شدن منطقه نهایت استفاده را کرد و اهرم اقتصادی و تجاری با وجود میزان تورم-بیکاری- فقر در کردستان عراق، را مبانی همکاری خود با اربیل قرار داده و این مسئله باعث همکاری آن ها بیش از ادوار گذشته شده است. بنابراین میزان و حجم سرمایه گذاری آمریکا در اربیل عراق که در سال ۲۰۱۲ نسبت به سال سقوط صدام ۲۳٪ افزایش یافته و بعد از تنش های منطقه ای ناشی از ترور سردار سلیمانی و تنش بین دولت مرکزی و اربیل به ۳۴٪ افزایش یافته است (Khder Aga, 2023: 332-348).

چرا که به رغم تاکید محور مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی ایران مبنی بر خروج نیروهای نظامی آمریکا بعد از ترور سردار سلیمانی از منطقه و کشورهای عضو محور مقاومت، اربیل در صدد برآمده است که به منظور حفظ بقای خود و امتیاز گیری از دولت مرکزی میزان همکاری و روابط همه جانبه خود را با کاخ سفید توسعه دهد. بنابراین دولت آمریکا نیز از این مسئله استقبال کرد و

یکی از مهم‌ترین واکنش‌های کاخ سفید در قبال این رویکرد اقلیم کردستان عراق، حمایت‌های اقتصادی از اربیل بوده است. به همین منظور در این قسمت به مهم‌ترین اقدامات اقتصادی اربیل و آمریکا بعد از ترور سردار سلیمانی اشاره می‌شود.

۱-۳-۴- منابع گازی اربیل

«مسرور بارزانی» نخست‌وزیر اقلیم در ۸ فروردین ۱۴۰۱ در همایش انرژی شیخ نشین امارات، برای نخستین بار مدعی شد که کردستان عراق به زودی گاز به اروپا صادر می‌کند. این استراتژی اربیل عراق به این معنا به نظر می‌رسد که، اقلیم کردستان عراق در ابعاد مختلف خود را در محدودیت مطلق می‌بیند. به همین منظور است که تلاش دارد به منظور حفظ بقای اقتصادی و سیاسی خود با کشورهای غربی رابطه اقتصادی و تجاری داشته باشد. از یک طرف دولت مرکزی محدودیت‌های زیادی را برای این منطقه ایجاد کند تا از توسعه نفوذ اقتصادی و سیاسی آمریکا در این منطقه جلوگیری نماید و از طرف دیگر از ایجاد اهرم اقتصادی آمریکا به منظور ایجاد محدودیت اقتصادی برای ایران که بعد از ترور سردار سلیمانی بیشترین تنش در ادوار گذشته بعد از انقلاب را تجربه کرده‌اند، جلوگیری به عمل بیاورد (Mahmoud, 2023: 27-30).

دولت آمریکا نیز به منظور تقویت این راهبرد خود تلاش دارد که از طریق ترکیه و کشورهای عربی صادرات انرژی اقلیم کردستان عراق به کشورهای اروپایی را نسبت به قبل به نحو قابل چشم‌گیری توسعه دهد. تا از این منطقه در مقابل دولت مرکزی حمایت کند و آن را برای تبدیل به یک بازیگر مهم در منطقه و یک حاکمیت دست‌نشانده خود محیا سازد. پروژه توسعه میدان گازی «خور مور»، یکی از اقدامات آمریکا برای صادرات گاز اقلیم به اروپا و کشورهای غربی می‌باشد. چرا که از یک طرف روسیه تحریم‌های گازی را اعمال کرده است و از طرف دیگر تنش ناشی از ترورهای سیاسی و نظامی بین تهران و کشورهای غربی، و همچنین همکاری بین تهران و مسکو در حوزه انرژی، غرب را با مشکلات زیادی در حوزه انرژی مواجه کرده است (Halabi, 2023: 32-35). این پروژه که بخشی از آن از طریق یک توافق مالی ۲۵۰ میلیون دلاری با شرکت مالی توسعه بین‌المللی ایالات متحده تامین می‌شود، قصد دارد پس از اینکه نیازهای بازار داخلی تامین شد، گاز به ترکیه و اروپا صادر کند. واشنگتن بدون اشاره به ایرادات قانونی سرمایه‌گذاری اقلیم کردستان عراق در حوزه نفت و گاز و مخالفت‌های سیاسی در داخل اقلیم و دولت مرکزی و نیز چالش‌های منطقه‌ای که

اقلیم با همسایگان خود از جمله ایران در آینده، تنها از یک بعد ژئوسیاسی کوشیده است که اربیل را به سمت سرمایه گذاری در نفت و گاز هدایت کند. داستان گاز کردستان عراق بیش از اینکه در وقت حاضر یک گزینه راهبردی داخلی باشد، دیکته ای خارجی در راستای منافع قدرت های بین المللی و در جهت جنگ لوله های انرژی است؛ ماجرابی که پیش از این در منطقه، باعث و بانی جنگ ها، ویرانگری ها، مداخله ها و مصایب برای ملت های منطقه بوده است.

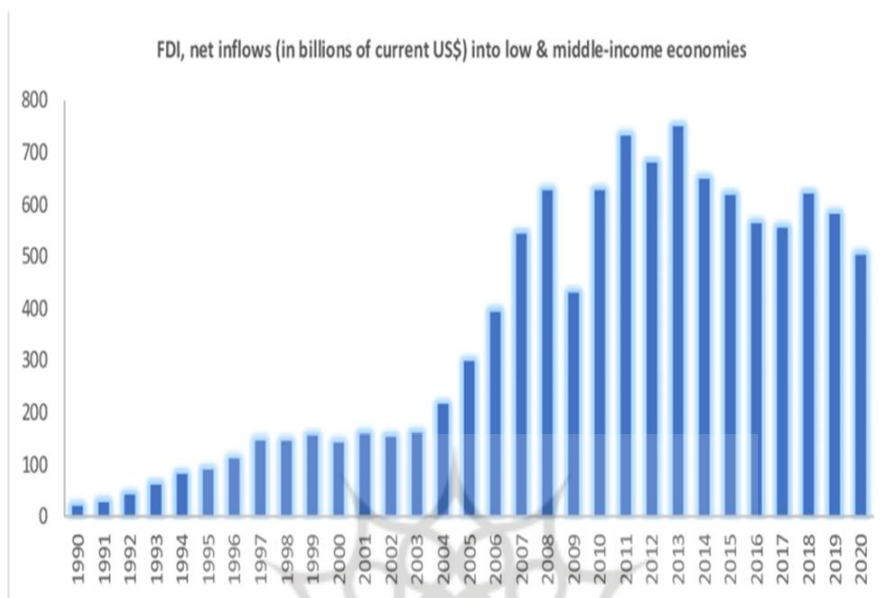
۲-۳-۴- منابع نفتی اربیل

مارک استروه که اخیراً به عنوان سرکنسول جدید آمریکا در پایتخت اقلیم کردستان منصوب شده است، با کمال محمد صالح وزیر برق کردستان دیدار و درباره انرژی و صنایع نفت گفت و گو کرد. استروه در اوایل ۲۰۲۴ با مسرور بارزانی نخست وزیر اقلیم کردستان دیدار و دولت اقلیم کردستان در بیانیه ای اعلام کرد که استرو بر تعهد ایالات متحده «به تعمیق همکاری و تقویت روابط دوجانبه قوی با اقلیم کردستان» تاکید کرد. دولت فدرال عراق و اقلیم نیمه خودمختار کردستان با همکاری یکدیگر قانون جدید هیدروکربن را از طریق بند جهان ترکیه تصویب کردند. این موضوع توسط دولت مرکزی عراق نقض حاکمیت سیاسی و قانونی اعلام شد که باعث توقیف تولید ۴۵۰۰۰۰ بشکه نفت در شمال عراق گشت (Gurbuz, 2023: 10-13). زیرا فقدان شفافیت و حکمرانی در بخش نفت منجر به نابرابری ها و تنش های اقتصادی از جمله اتهامات فساد و خویشاوندی شده است. این همان هدف آمریکا به منظور کاهش نفوذ دولت مرکزی عراق به عنوان یکی از بازوان مهم محور مقاومت در شمال این کشور و اقلیم کردستان است. به این معنا که، کردهای عراق زمان ترور سردار سلیمانی خود را وارد این تنش نکرده و منافع قومی و منطقه‌ای را بیش از هر چیز دیگر در اولویت قرار دادند. بنابراین یک جایگاه امن برای سرویس های اطلاعاتی و امنیتی و همچنین راهبردهای تفرقه افکنی کاخ سفید و متحدان منطقه‌ای آن در بطن محور مقاومت خواهد بود. به این معنا که، در صورت عملی شدن می تواند قدرت محور مقاومت را به نحو قابل چشم گیری در عراق کاهش داده و یک فضای امنی در اختیار ارتش آمریکا و رژیم صهیونیستی قرار دهد که متهمان اصلی ترور سردار سلیمانی بوده اند.

۳-۳-۴- سیاست آزاد اقتصادی

مسعود بارزانی بعد از داعش و تخریب قسمت قابل توجهی از مناطق تحت حاکمیت خود، به منظور توسعه اقتصادی و تجاری به سمت جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی سوق پیدا کرد. و در این مورد بیان داشت که، "اهمیت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به ویژه در سرمایه‌گذاری بلندمدت نهفته است". فن آوری‌های جدید را معرفی کرده، فرصت‌های شغلی را فراهم کرده، دانش فنی و همچنین فرهنگ مدیریتی و کارآفرینی را به ارمغان آورده و امکان دسترسی به بازار جهانی را فراهم کرده است. اقلیم کردستان، مانند سایر مناطق در حال توسعه، به دلیل اتخاذ سیاست آزاد اقتصادی و همچنین ثبات نسبی، فرصت‌های مهمی برای سرمایه‌گذاری دارد. علاوه بر این، یک سری اقدامات محرک برای جذب بیشتر سرمایه‌گذاران خارجی وجود دارد، مانند صدور قانون سرمایه‌گذاری شامل بسیاری از مشوق‌های اقتصادی، گمرکی و مالیاتی است (Rostam, 2021: 4-7). به همین منظور دولت آمریکا از ابزار صندوق تجارت جهانی و بین‌المللی پول زمینه سرمایه‌گذاری و افزایش حجم مبادلات تجاری با این منطقه را افزایش داده و این مهم باعث تعمیق روابط اقتصادی و مالی طرفین شده است. در نقشه زیر به میزان کمک‌های مالی و تجاری به مناطق در حال توسعه به ویژه اربیل عراق اشاره شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



(Khder Aga, 2023:332-348)

از آنجایی که بعد از ترور سردار سلیمانی، امکان نفوذ نظامی و امنیتی آمریکا بیش از آنچه که تا به حال بوده، وجود نداشت راه نفوذ و مسیر راه یابی کاخ سفید به این منطقه متناسب با تهدیدهایی که برای آن وجود داشت توسعه اقتصادی اقلیم کردستان عراق بود. به همین منظور با مسئولین اربیل توافقات مالی و تجاری قابل توجهی در قالب سازمان تجارت جهانی - صندوق بین المللی پول که در جدول نیز اشاره شده است انجام دادند و شرکت های نفتی و گاز غربی به رهبری آمریکا به اربیل عراق وارد شدند.

در این قالب و همکاری اقتصادی بین آمریکا و اقلیم کردستان عراق، اربیل تلاش کرده است تا اقتصاد متنوعی را از طریق چشم انداز ۲۰۲۰ و چشم انداز ۲۰۳۰ ایجاد کند. و مسیرهای اقتصادی متنوع و جدیدی را برای این راهبرد اقتصادی به وجود بیاورد. چرا که با هر گونه نظامی شدن به ویژه بعد از ترورهای آمریکایی در منطقه ی اربیل با مشکلات قابل توجهی در راستای تجارت و ترانزیت و اقتصاد این منطقه با مشکلات زیادی مواجه خواهد شد.

۴-۴- راهبرد تسلیحاتی آمریکا در قبال اقلیم کردستان عراق

از سال ۲۱۰۸ تا سال ۲۰۲۳، به ویژه بعد از ترور سردار سلیمانی با امنیتی شدن غرب آسیا و رویکرد جمهوری اسلامی ایران به منظور گرفتن انتقام این جنایت توسط آمریکا و رژیم اشغال‌گر قدس، وزارت امور خارجه ایالات متحده به اقلیم کردستان عراق ۴٫۱ میلیون دلار برای آموزش و آموزش نظامی بین‌المللی اعطا کرد. تا به امروز، بیش از ۳۵۰ نیروی پیشمرگ اقلیم کردستان عراق در ایالات متحده آموزش دیده اند همچنین آموزش نظامی حرفه‌ای را به دانشجویان نظامی ارائه می‌دهد و زمینه ساز ایجاد روابط پایدار در قالب همکاری نظامی و تسلیحاتی با رهبران آینده است. همکاری تسلیحاتی اقلیم کردستان عراق در صدد هستند که، دوره‌های حرفه‌ای‌سازی نظامی را افزایش و قابلیت همکاری با نیروهای ایالات متحده را افزایش دهند تا خود را در مقابل هر گونه تهدید از طرق همسایگان تقویت نمایند. به همین منظور آمریکا برای مشروعیت‌سازی تحرکات نظامی خود در عراق و اقلیم کردستان دستورالعمل‌هایی را در مورد قانون درگیری‌های مسلحانه و حقوق بشر ارائه می‌دهد، آموزش‌های فنی و عملیاتی را به پیشمرگ‌های این منطقه در اسرائیل و حتی آمریکا داده است (Tartir&Fazil, 2023: 7-9).

بعد از ترور سردار سلیمانی یعنی از سال ۲۰۱۷ تا سال ۲۰۲۳ و توسعه فعالیت محور مقاومت به منظور خروج نظامی آمریکا در منطقه، کاخ سفید از طریق همکاری تسلیحاتی به متحدان منطقه‌ای در صدد ایجاد نوعی تعادل نظامی و تسلیحاتی برای خود و کشورهای هم‌خون با سیاست خارجی این کشور است. به همین منظور با اقلیم کردستان عراق رابطه تسلیحاتی مدرنی را در دستور کار خود قرار داده تا از این طریق در صورت هر گونه عملیات نظامی بتواند اقلیم کردستان عراق را به عنوان یک پایگاه نظامی مورد استفاده قرار دهد. بنابراین تسلیحاتی نظیر: هواپیماها و سلاح‌های اف۱۶، هواپیمای سسنا، AC-208 مهمات، تجهیزات و پشتیبانی لجستیکی؛ هلیکوپترهای Armed Bell 407GX رادار دو‌دوربرد؛ آموزش خلبانی برای هواپیماهای C-172، C-208 و T-6 و تجهیزات دو تپ پیاده پیشمرگه، دو گردان توپخانه پشتیبانی را در این منطقه بعد از ترور سردار سلیمانی به منظور تقویت این منطقه بدون اینکه جمهوری اسلامی ایران تهدیدی برای اربیل داشته باشد و صرفاً به منظور توسعه نفوذ نظامی خود در غرب آسیا، در قابل همکاری تسلیحاتی و نظامی مستقر کرده است (Taib Menmy, 2023: 5-12).

نتیجه‌گیری

سردار سلیمانی با مدیریت دقیق خود و همچنین نقشی که در ارتباط برقرار کردن با نیروهای ملی در هر کشور یا گروه‌های سیاسی داشت، توانست مجموعه‌ای از نیروها را تشکیل دهد و شبکه بسیار کارآمدی ایجاد کند تا مانع از تغییرات ژئوپلیتیکی در منطقه شود. یکی از تغییراتی که قدرت‌های فرامنطقه‌ای و برخی قدرت‌های منطقه‌ای به دنبال آن بودند، ساقط کردن دولت‌ها و تجزیه خاک کشورها و ایجاد وضعیت متفاوت با وضعیت کنونی و این تغییرات در سطح ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیک بود که اگر این اتفاق می‌افتاد، شاهد مهاجرت چند ده میلیونی از منطقه بودیم و این محاسبات برای قدرت‌های بزرگ به عنوان بروز یک قدرت جدید تلقی می‌شد. علیرغم اقدام جنایتکارانه آمریکا با کمک اسرائیل و برخی از نیروهای منطقه‌ای که منجر به شهادت سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس شد، در نهایت راهبرد این دو شهید موثر واقع شد که توانست در مقابل موج اقدامات مخرب قدرت‌های سلطه‌گر و تجزیه طلب مقاومت کرده و همچنین پایدار باقی بماند.

این مسئله باعث شد که فرضیه کار خود را تایید نمایم. چرا که بعد از ترور سردار سلیمانی و مهندس مهدی به عنوان تنورسین‌های اصلی و مهم محور مقاومت، دولت آمریکا با متحدان منطقه‌ای خود به منظور جلوگیری و مدیریت هرگونه واکنش نسبت به این جنایت، وارد همکاری‌های آشکار و پنهان تحت عناوین متعدد شد. یکی از این مناطق اقلیم کردستان عراق می‌باشد. اقلیم کردستان عراق که بعد از حمله داعش با مشکلات قابل توجهی در ابعاد گوناگون مواجه شده تلاش داشت که با همکاری کشورهای غربی و اروپایی روند حل این مشکلات را تسریع تر نماید و مشروعیت سیاسی و اقتصادی خود را افزایش دهد. این موضوع باعث ایجاد نوعی خلاء در اقلیم کردستان شد و آمریکا به همراه متحدان منطقه‌ای خود به عنوان ناجی این منطقه همکاری‌های همه جانبه خود را توسعه دادند تا از مشکلات ناشی از ترور سردار سلیمانی و منافع ملی خود محافظت نمایند. چرا که محور مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی ایران به صورت واضح و آشکار بیان کردند که انتقام خواهیم گرفت. و با توجه به پایگاه‌های نظامی و اطلاعاتی آمریکا در منطقه و رژیم صهیونیستی در غرب آسیا و مضمون اصلی ترور که آمریکا می‌باشد، باعث شد که مستقیم و بیش از هر زمان دیگر رودروی محور مقاومت قرار بگیرند. بنابراین حمایت‌های تسلیحاتی، اطلاعاتی، و امنیتی خود را از

اقلیم کردستان عراق توسعه داده و تلاش کردند که در واکنش به سخنان دولتمردان جمهوری اسلامی ایران در قبال ترور سردار سلیمانی مرزهای این کشور را نا امن کرده و با سیاست تفرقه افکنی بین دولت مرکزی و اربیل یکی از مهم ترین کشورهای محور مقاومت را نا امن کنند.

فهرست منابع

- دوئرتی، جیمز؛ فالتز گراف، رابرت (۱۳۸۸). نظریه های متعارض در روابط بین الملل، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: انتشارات قومس، چاپ پنجم.
- فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۱). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سمت.
- محمد خانی، علیرضا (۱۳۸۸). تبیین رویکرد نو واقع گرایی در روابط بین الملل، مطالعات سیاسی، دوره ۱، شماره ۳.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۹). تحول در نظریه های روابط بین الملل، تهران: انتشارات سمت.
- شیخ نشین قربانی، ارسلان؛ قدیمی، اکرم (۱۳۹۰). بررسی راهبردی سیاست خارجی آمریکا در کردستان عراق و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، راهبرد، سال بیست و یکم، شماره ۶۲، ص ۵۵-۸۲.
- Mearsheimer, John J. (2001). *The Tragedy of Great Power Politics*, New York: Norton.
- Waltz, Kenneth H. (1979). *Theory of International Politics*, New York: Random House.
- Walt, Stephen M. (1988). *Testing Theories of Alliance Formation: The Case of Southwest Asia*, *International Organization*, Vol. 42, No. 2.
- Walt, Stephan (1987). *The Origins of Alliance*, Ithaca: Cornell University Press.

- Walt M. Stephan(1986) “Alliance: Balancing and Bandwagoning”, in Stephan M. Walt,(Eds). The Origins of Alliances, Cornell University Press.
- Zakaria f. (1998). From wealth to power: the Unusual origins of America s world role . Princeton. Nj: Princeton University Press.
- Breuninger Kevin(2020). “US to deploy 3,500 additional troops to the Middle East after Iranian general killed”. Available in: <https://www.cnbc.com/2020/01/03/us-to-deploy-more-troops-to-the-middle-east-after-iranian-gen-soleimani-killed.html>.
- Benaim, Daniel(2018).“ Kurdistan’s New Moment”. Available in: <https://www.americanprogress.org/issues/security/reports/2018/12/18/464309/kurdistans-new-moment>. Accessed on: 18, December, 2018.
- Giglio .Mike(2018). “The Trump White House Says ISIS Has Been Defeated In Iraq. The Data Says Otherwise”. Available in: <https://www.buzzfeednews.com/article/mikegiglio/trump-isis-iraq-defeat-attacks>. Accessed on: 31, October, 2018.
- Tabatabaie Ariane & Rabinowitz(2020). “Trump Misses Being Part of the Iran Deal”. Available in: <https://foreignpolicy.com/2020/08/12/trump-trigger-iran-deal-snapback-mechanism>.
- Turak Natasha(2020). “Dangerous escalation’ and ‘severe revenge’: The world responds to the US killing of Iran’s top general”. Available in: <https://www.cnbc.com/2020/01/03/qasem-soleimani-death-world-responds-to-us-assassination-of-irans-top-general.html>.
- Breuninger Kevin(2020). “US to deploy 3,500 additional troops to the Middle East after Iranian general killed”. Available in: <https://www.cnbc.com/2020/01/03/us-to-deploy-more-troops-to-the-middle-east-after-iranian-gen-soleimani-killed.html>.
- Haverty dan(2020). “U.S. Seeks to Extend Arms Embargo on Iran”. Available in: <https://foreignpolicy.com/2020/08/13/us-seeks-arms-embargo-extension-iran>.
- Aziz Sardar(2023). “The US-Iraqi Kurdistan Relationship: In Pursuit of Partnership”. Available in: <https://epc.ae/en/details/featured/the-us-iraqi-kurdistan-relationship-in-pursuit-of-partnership>. Accessed on: 10, Apr, 2023.
- Bakr Mera Jasm(2023). “Iraqi Kurdistan in the US-Iraq strategic dialogue: Re-evaluating security sector reform”. Available in: <https://www.mei.edu/publications/iraqi-kurdistan-us-iraq-strategic-dialogue-re-evaluating-security-sector-reform>. Accessed on: 11, August, 2020.

- Najmaldin Karim Sierwan(2023). “Collaborative Efforts Between Iran and Iraq to End the Kurdistan Region”. Available in: <https://dckurd.org/2023/09/16/collaborative-efforts-end-kurdistan>. Accessed on: 16, September, 2023.
- Khder Aga Ahmed(2023).” The Impact of Financial Globalization on Economic Growth in the Kurdistan Region of Iraq: An Empirical Investigation”. Available in: https://www.researchgate.net/publication/377577386_The_Impact_of_Financial_Globalization_on_Economic_Growth_in_the_Kurdistan_Region_of_Iraq_An_Empirical_Investigation. Accessed on:6, December, 2023.
- Menmy Dana Taib(2023). “Iraqi Kurds recall broken promises 20 years after US invasion”. Available in: <https://www.newarab.com/analysis/iraqi-kurds-recall-broken-promises-20-years-after-invasion>. Accessed on: 21, March, 2023.
- Tartir Alaa &Fazil Shivan(2023). “ Iraq in 2023: Challenges and prospects for peace and human security”. Available in: <https://www.sipri.org/commentary/topical-background/2023/iraq-2023-challenges-and-prospects-peace-and-human-security>. Accessed on: 17, March, 2023.
- Bahrani Wesam(2024). “For regional security, Zionist presence in Erbil and US occupation of Iraq must end”. Availablein: <https://www.presstv.ir/Detail/2024/01/22/718684/regional-security-zionist-presence-erbil-us-occupation-iraq-end>. Accessed on: 22, January, 2024.
- Karimi nasser & jon gambrell(2024). “Bombings hit event for Iran’s Gen. Qassem Soleimani, a shadowy figure slain in 2020 US drone strike”. Availablein: <https://apnews.com/article/iran-qassem-soleimani-profile-kerman-bomb-attack-57cbc9adff1914e5047c0104b311cccd>. Accessed on: 4, January, 2024..
- Alaaldin Ranj(2023). “THE GEOPOLITICS OF IRAQI KURDISTAN’S GAS RESERVES: CHALLENGES AND PROSPECTS”. Availablein: <https://mecouncil.org/publication/the-geopolitics-of-iraqi-kurdistan-gas-reserves-challenges-and-prospects>. Accessed on: 4, April, 2023.
- Rodgers Winthrop(2023). “Iraqi Kurdistan’s House of Cards Is Collapsing”. Availablein: <https://foreignpolicy.com/2023/03/22/iraq-kurdistan-region-democracy-war-invasion-united-states>. Accessed on: 22, march, 2023.
- Mahmoud Sinan(2023). “Iraq export pipeline closure wreaks havoc on Kurdish region economy”. Availablein: <https://www.thenationalnews.com/mena/iraq/2023/09/21/iraq-export->

pipeline-closure-wreaks-havoc-on-kurdish-region-economy. Accessed on: 21, Sep, 2023.

Halabi Bachar(2023). "Baghdad, Erbil deal expected within weeks: Minister". Availablein: <https://www.argusmedia.com/en/news-and-insights/latest-market-news/2445624-baghdad-erbil-deal-expected-within-weeks-minister>. Accessed on: 05/04/2023.

Gurbuz Emir(2023). "urkey's Halt on Iraqi Oil Exports Is Shaking Up Global Markets". Availablein: <https://foreignpolicy.com/2023/08/25/turkey-iraq-kg-oil-pipeline-ceyhan-export-erdogan-embargo>. Accessed on: 22, march, 2023.

Elodie Vieira(2023). "Baghdad and Erbil: A Crucial Agreement for Iraq's stability". Availablein: <https://cfri-irak.com/en/article/baghdad-and-erbil-a-crucial-agreement-for-iraqs-stability-2023-04-14>. Accessed on: 14, April, 2023.

